

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

جمعه ۲۷ شهریور ۱۳۸۸

سال دوم - شماره ۲۵ - شماره مسلسل ۷۲

کارگران علیه سرمایه تشکل شویم!



کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
Coordinating Committee to
Form Workers Organization

در این شماره:

- ۲ با پرچم مطالبات ضدسرمایه داری خود در تظاهرات خیابانی شرکت کنیم
- ۳ اتحادیه کارگری علیه کارگران معدن طلای سفید
- ۳ ادامه اعتراض کارگران پارس متال
- ۴ احتمال تعطیل کارخانه ارج و خطر بیکاری همه کارگران
- ۴ اعتراض کارگران زن کارخانه تن ماهی در جاسک
- ۴ باز هم تعویق ۵ ماهه حقوق کارگران لاستیک البرز
- ۴ کارگران صنایع مخابرات راه دور نفری سی صد هزار تومان گرفتند
- ۵ کارخانه آلومینیوم اراک در خطر تعطیل
- ۵ اعتراض کارگران هفت تپه به کاهش اضافه کاری
- ۵ ادامه اعتراضات مادران داغدار
- ۵ قتل عام جدید کارگران در معادن سرمایه داری چین
- ۶ اعتصاب کارگران راننده خرمشهر
- ۶ قطع انگشت دست کارگر با ماشین سود سرمایه
- ۶ وضعیت کارگران در کارخانه نیر پارس
- ۸ کارگران ایران خودرو با اعتراض به کشتار و شکنجه و سرکوب مردم زحمتکش ایران سالروز مرگ همکار خود پیمان رضی لو و تمام جان باختگان حوادث کار و یاد شهیدان راه آزادی زحمتکشان را گرامی می‌دارند
- ۸ خروج از کنفدراسیون اتحادیه های کارگری
- ۹ کارگران اپل و بازی سرمایه
- ۱۰ آیا تشدیداستثمار کارگران را هیچ مرزی نیست؟



مشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران را بخوانید. صفحه ۱۱

با پرچم مطالبات ضد سرمایه داری خود در تظاهرات خیابانی شرکت کنیم

(این مقاله قبلاً در همین خبرنامه منتشر شده است)

کردند. آنان می پنداشتند که می توان میلیون ها انسان را به عروسک های خیمه شب بازی بدل کرد، از آنان برای هرچه گرمتر کردن تنور انتخابات سوء استفاده نمود و بعد هم انتخاب آنان را به بیرحمانه ترین شکل نادیده گرفت و خیلی راحت به آن ها همچون افرادی مورد سوء استفاده و تجاوز قرار گرفته دهن کجی کرد. اما واکنش این میلیون ها رأی دهنده مورد سوء استفاده و تجاوز قرار گرفته نشان داد که آنان هنوز تا حد مورد نظر طراحان و گردانندگان تقلب انتخاباتی درآمده و بیچاره نشده اند. خطای دیگری که در محاسبات این طراحان و گردانندگان خود را نشان داد این بود که آنان موقعیت کنونی جناح اصلاح طلب را با موقعیت آن در ۲ خرداد ۷۶ یکسان گرفتند. واقعیت این است که در شرایط کنونی، مبارزه جناح سرمایه داری اصلاح طلب برای حضور در قدرت سیاسی برای او حالت مرگ و زندگی را دارد. به عبارت دیگر، به دنبال آشکار شدن ناتوانی اصلاح طلبان در مقابل جناح دیگر در جریان ۸ سال ریاست جمهوری خاتمی - چه برای توده مردمی که به او رأی داده بودند و چه برای سرمایه داران اصلاح طلب - اگر آنان در اوضاع کنونی نیز از جناح رقیب شکست بخورند و از قدرت سیاسی حذف شوند در واقع مرگ سیاسی یا دست کم غیبت طولانی خود را از صحنه سیاست رقم زده اند. در حالی که اصلاح طلبان در مقطع ۲ خرداد ۷۶ در چنین وضعیتی نبودند. یعنی مجبور نبودند که همچون اکنون به قیمت به خیابان آوردن میلیون ها انسان مخالف جمهوری اسلامی بر حضور خود در قدرت سیاسی پافشاری کنند.

به هر تقدیر، تحلیل طراحان و گردانندگان اصلی انتخابات اشتباه از کار درآمد. به طوری که اینک جناح اصلی و قدرتمند جمهوری اسلامی به مخصمه افتاده است: اگر بر نتیجه اعلام شده یعنی ریاست جمهوری احمدی نژاد پافشاری کند در واقع نفت بیشتری بر آتش شعله ور شده می پاشد و چه بسا ادامه این پافشاری کار را به آنجا بکشاند که نه از تاک نشان بماند نه از تاکنشان. در عین حال، اگر عقب نیز بنشیند و تن به ابطال انتخابات بدهد شکست سنگینی خورده است، نه تنها از اصلاح طلبان بلکه - و این به مراتب مهم تر است - از میلیون ها انسان مخالفی که از حکومت آن به جان آمده اند. صرف نظر از این که جناح اصلی و قدرتمند سرمایه داری جمهوری اسلامی کدام یک از این دو شق را انتخاب کند در یک نکته هیچ تردیدی نیست و آن هزینه ای است که این جناح باید بپردازد. البته جناح مذکور در این مورد نیز چاره ای ندارد جز این که از میان « بد » و « بدتر » گزینه « بد » را انتخاب کند (گویا در جهنم سرمایه داری ایران سرنوشت هر چیزی به انتخاب بین « بد » و « بدتر » گره خورده است!!). به نظر می آید که جناح حاکم دارد به این نتیجه می رسد که گزینه دوم هزینه کمتری دارد. سیر حوادث روزهای اخیر به ویژه پس از راه پیمایی میلیونی معترضان در تهران در روز دوشنبه ۸۸/۳/۲۵ بوی سازش بین دو جناح از یک سو و سرکوب خونین مخالفان نظام از سوی دیگر را می دهد. پس از این تظاهرات میلیونی و کشتار ۷ نفر و زخمی شدن ۲۹ نفر از مردم معترض، تجمعات بعدی از تلاش حامیان موسوی و خاتمی و کربوبی و هاشمی رفسنجانی برای کاهش حدت اعتراض ها، مهندسی آن ها به سوی سکوت و سیاه پوشی و عزاداری و « اله اکبر » گفتن و محدود کردن شعارهای معترضان به صرف تقلب در انتخابات و خواست ابطال انتخابات حکایت می کند. از سوی دیگر، این گفته سخنگوی شورای نگهبان که « ابطال انتخابات دور از ذهن نیست » این گمان را تقویت می کند که جناح اصلی قدرت سیاسی دارد به سمت گزینه دوم پیش می رود.

فضای روزهای پیش از انتخابات روز جمعه ۲۲ خرداد ۸۸ فضای مخالفت با نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی در پورش مخالفت با احمدی نژاد بود. در واقع، مخالفان نظام برای بیان مخالفتشان تاکتیک شرکت در انتخابات با هدف انتخاب گزینه « بد » در مقابل گزینه « بدتر » را اتخاذ کردند. ما در نوشته های پیشین خود به مناسبت انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری اسلامی در مورد این راهکار رفرمیستی و بستر عینی آن یعنی ضعف و ناتوانی مخالفان نظام به تفصیل سخن گفته ایم و در اینجا نمی خواهیم آن سخنان را تکرار کنیم. خوانندگان را به این نوشته ها در سایت و خبرنامه های کمیته ارجاع می دهیم. آنچه می خواهیم در اینجا بر آن تأکید کنیم این است که فضای روزهای پیش از انتخابات چیزی شبیه به انتخابات ۲ خرداد ۷۶- البته با روحیه انتقادی تر و تندو تیز مخالفان- را تداعی می کرد. پیش بینی می شد که رأی دهندگان همان گونه که در ۲ خرداد ۷۶ برای انتخاب نشدن ناطق نوری (کاندیدای جناح اصلی و قدرتمند حاکمیت) به خاتمی رأی دادند، در انتخابات جاری نیز برای انتخاب نشدن احمدی نژاد به طور گسترده در انتخابات شرکت کنند و به موسوی رأی دهند. همین طور هم شد. اما نتیجه ای که اعلام شد پیروزی احمدی نژاد بر موسوی بود!! ظاهرها گردانندگان قدرتمند خیمه شب بازی انتخابات در پشت صحنه آن، از دو گزینه اعلام پیروزی موسوی و « اصلاحاتی » شدن فضای جامعه از یک سو و بیرون آوردن احمدی نژاد از صندوق با تقلب از سوی دیگر گزینه دوم را ترجیح دادند. در واقع، آنان نیز همچون رأی دهندگان فکر می کردند که دارند برای پرهیز از گزینه « بدتر » گزینه « بد » را انتخاب می کنند. یعنی فکر می کردند اعلام پیروزی موسوی باز هم مشکلات ناشی از ۸ یا دست کم ۴ سال اداره قوه مجریه توسط اصلاح طلبان را برای آنان به وجود خواهد آورد، در حالی که تقلب و بیرون آوردن احمدی نژاد از صندوق های رأی هزینه کمتری برایشان دارد. زیرا این اقدام اگرچه ممکن است در روزهای اول اعلام نتیجه مخالفت هایی را به وجود آورد اما با سرکوب این مخالفت ها غائله پایان می یابد و این میلیون ها « خس و خاشاک » مخالف به نتیجه اعلام شده تن می دهند. قدرتمندان گرداننده این خیمه شب بازی چندان از درستی اقدام خود مطمئن بودند که نه تنها نیازی ندیدند که فاصله آرای دست چین شده احمدی نژاد و موسوی را اندکی طبیعی تر کنند تا پذیرش آن را از سوی رأی دهندگان به موسوی آسان تر کنند بلکه از موضع قدرت کامل آرای احمدی نژاد را حدود دو برابر آرای موسوی اعلام کردند (معترضان به نتیجه انتخابات این روزها در تظاهرات خیابانی خود اعتراضشان را به این فاصله آرا این گونه بیان می کنند: « تقلب یه درصد، دو درصد، نه پنجاه و سه درصد! ») و نیز برای درهم شکستن و روکم کنی کربوبی و اطرافیان او آرای او را کمتر از یک درصد کل آرا (از آرای باطله نیز کمتر) اعلام کردند و با تمسخر و دهن کجی به کربوبی در واقع به او گفتند که در میان چهار نفر پنجم شده است!!

اما حوادث پس از اعلام نتیجه انتخابات نشان داد که طراحان و گردانندگان این تقلب انتخاباتی به جای گزینه « بد »، برعکس، گزینه « بدتر » را انتخاب کرده اند!! در واقع تنور انتخابات چندان گرم شد که حتی قباي خود این طراحان و گردانندگان را نیز سوزاند!! به نظر می رسد که آن ها در محاسبات خود از در نظر گرفتن حداقل دو عامل مهم غفلت کردند. نخست آن که ضعف و ناتوانی و درماندگی توده رأی دهندگان و پناه بردن آنان از دست یک جناح از حاکمیت به جناح دیگری از آن را بیش از آنچه که هست تصور

با این همه، در این مورد نیز احتمال اشتباه این جناح یعنی انتخاب گزینه اول به جای گزینه دوم دور از ذهن نیست.

اما همه این ها را گفتیم تا به اینجا برسیم که : **ما کارگران در کجای این اوضاع ایستاده ایم و چه کار باید بکنیم؟** بدیهی است که جنگ بین دو جناح طبقه سرمایه دار و نمایندگان سیاسی آن ها برای گرفتن سهم بیشتری از قدرت نه تنها جنگ ما نیست بلکه دقیقاً برای تشدید استثمار و سرکوب بیش از پیش ما صورت می گیرد. اما از این نکته درست به هیچ وجه نباید بی تفاوتی ما را نسبت به اوضاع پیش آمده نتیجه گرفت. ما می توانیم و باید این وضعیت را به عرصه دیگری برای مبارزه در جهت تحقق مطالبات ضدسرمایه داری خود تبدیل کنیم. عرصه های اصلی تاکتونی اعتراض ما یکی عرصه مبارزه با بیکارسازی ها و تعویق دستمزدها بوده، که راهکار پیشنهادی ما برای مقابله با آن **تصرف کارخانه ها و به طور کلی مراکز کار و تولید در معرض تعطیل است**، و دیگری اعتراض و مقاومت در برابر شکل های مختلف تشدید استثمار و سرکوب، که در این مورد نیز راهکار پیشنهادی ما **اعتصاب است**. اکنون و با توجه به اوضاع پیش آمده، ما ضمن تأکید بر لزوم **سراسری کردن** دو راهکار فوق به ویژه در شرایط کنونی، راهکار دیگری را نیز در کنار راهکارهای فوق پیشنهاد می کنیم و آن **حضور فعال و سازمانیافته در**

تظاهرات خیابانی با پرچم مطالبات ضدسرمایه داری کارگران است، که در « منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران» آمده است. ما - مستقل از این که کدام جناح طبقه سرمایه دار بر دیگری پیروز می شود و با پرهیز از تبدیل شدن به سیاهی لشکر این یا آن جناح - می توانیم و باید با تشکیل شوراهای ضدسرمایه داری خود در محل های کار و زندگی و پیوند این شوراها برای ایجاد شورای سراسری طبقه کارگر ایران سه راهکار فوق را به گونه ای سنجیده و هوشیارانه باهم تلفیق کنیم تا از حالت ضعف و ناتوانی و انفعال کنونی و بستر به قدرت رساندن یک بخش از طبقه سرمایه دار در مقابل بخش دیگر بیرون آمده و مطالبات خود را قدرتمندانه بر کل طبقه سرمایه دار و دولت آن تحمیل کنیم و بدین سان راه را برای مراحل بعدی برچیدن تمامی بساط نظام بردگی مزدی هموار سازیم.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

۲۸ خرداد ۱۳۸۸

اتحادیه کارگری علیه کارگران معدن طلای سفید

اتحادیه سراسری کارگران معدن در همین اواخر عین همین جنایت را علیه کارگران معدنی دیگر از معدن طلای سفید در Implants آفریقای جنوبی انجام داده بود. در آنجا کارگران تا شروع اعتصاب پیش رفتند. چرخ تولید را از کار انداختند و رود پرخروش سود را برای مدتی خشکاندند. در آنجا نیز اتحادیه با تمامی توان دست به کار نجات سرمایه شد و با هزاران ترفند و دسیسه و تهدید کارگران را مجبور به ترک اعتصاب کرد. اتحادیه سراسری معدن در آفریقای جنوبی بیش از ۳۰۰۰۰۰ عضو دارد. معنای این سخن آن است که می تواند خطر بیکار متحد و دسته جمعی ۳۰۰ هزار کارگر را مدام از سر سرمایه رفع می کند.

منبع: سایت علیه کار مزدی (انگلیسی)

سپتامبر ۲۰۰۹

و مسکن و غذا و پوشاک کارگران را هیچ بدانند. باید به مصالح سودآوری سرمایه تن دهند و از خیر معاش روزمره خود چشم پوشند. باید سر سرمایه را سلامت بدانند و مرگ ناشی از گرسنگی کارگران را هیچ انگارند. اتحادیه موعظه کرد، تهدید نمود، دست به توطئه زد و به مزدوری های دیگر برای صاحبان سرمایه توسل جست. کارگران روزهای زیادی در مقابل خواست کارفرمایان و قبول میزان افزایش مورد توافق آنان مقاومت کردند اما در برابر فشار بیش از حد اتحادیه تاب ایستادگی نیاوردند. آنان سرانجام تسلیم شدند و به افزایش ۹ تا ۱۰ درصدی دستمزدها رضایت دادند. با انعقاد این قرارداد یک بار دیگر خطر از سر سرمایه رفع شد. عزم جزم کارگران برای اعتصاب از هم پاشید. اتحادیه دین خویش را به سرمایه ادا کرد و برگ دیگری از خیانت و جنایت خود علیه توده های کارگر را به کارنامه سپاه سرمایه پرستی اش افزود.

معدن طلای سفید متعلق به بزرگ ترین شرکت صادرکننده طلای سفید جهان در آفریقای جنوبی قرارداد. کارگران این معدن مدت ها است که به سطح نازل دستمزدها اعتراض می کنند. سرمایه داران با افزایش حدود ۹ درصد توافق کردند و تلاش داشتند که از وقوع اعتصاب و خوابیدن چرخ تولید جلوگیری کنند. پیشنهاد صاحبان سرمایه با مخالفت جدی کارگران مواجه شد. آنان این مقدار افزایش را حلال هیچ بخشی از مشکلات معیشتی و محرومیت های عمیق اجتماعی خود نمی دیدند. کشمکش ادامه یافت و در اینجا بود که اتحادیه کارگری به رسم معمول و بر پایه رسالت نهادینه و ذاتی خود وارد میدان شد. سرمایه داران صدراعزین اتحادیه کارگری از همه راه های ممکن بر توده کارگر فشار آوردند. انواع مخاطرات را پیش پای آنان قرار دادند و از زمین و آسمان ندا دادند که کارگران باید در مقابل اراده سرمایه تمکین کنند. باید نرخ سود بالای سرمایه ها را همه چیز و معیشت و دارو و درمان و آموزش

ادامه اعتراض کارگران پارس متال

کارگران زیر فشار وحشت بیکاری از تلاش خویش برای گرفتن حقوق معوقه بکاهدند و به مصداق مثل معروف « از ترس مرگ به تب رضایت دهند». برخی نیز چنین نمی پندارند و احتمال تعطیل کارخانه و بیکار شدن خویش را بسیار جدی می بینند. در هر حال مستقل از

اند که در تدارک تعطیل شرکت هستند زیرا در آستان ورشکستگی قرار دارند، سخنی که موج هراس و وحشت را در میان همه کارگران دامن زده است. برخی می گویند که کارفرمایان دروغ می گویند و مراد آن ها از طرح مسأله ورشکستگی و خطر تعطیل آن است که شاید

مصادره دستمزدها و مطالبات کارگران پارس متال توسط صاحبان سرمایه همچنان ادامه دارد و درست به همین دلیل کارگران نیز به اعتراضات و مبارزات خود علیه این وضعیت ادامه می دهند. کشمکش ها اما در همین سطح محدود نمانده است. سرمایه داران تهدید کرده

روی مبارزه آنان برای گرفتن دستمزدها تا حدودی تأثیر منفی گذاشته است. منبع: ندانیوز ۲۵ شهریور ۸۸

به همین دلیل در روزهای اخیر خواست تضمین اشتغال را بر تقاضای فوری پرداخت دستمزدها اضافه کرده اند. هر چند که دلهره اخراج بر

راست یا دروغ بودن موضوع اولاً سرمایه داران بر مصادره دستمزدها و عدم پرداخت آن ها پافشاری دارند و ثانیاً هراس از بیکار شدن نیز هیچ کارگری را آرام نمی گذارد. کارگران

احتمال تعطیل کارخانه ارج و خطر بیکاری همه کارگران

و به این ترتیب مختصر امید کارگران به حفظ اشتغال خویش نیز از بین رفته است.

منبع: ندانیوز
۲۵ شهریور ۸۸

زیادی از کارگران کار خویش را از دست داده اند. دامنه کار شرکت محدود و محدودتر شده و امید کارگران باقی مانده برای ادامه اشتغال بسیار اندک گردیده است. این وضعیت در طول این مدت در کارخانه حاکم بوده است. اما اینک سخن از تعطیل قریب الوقوع ارج در میان است

کارخانه ارج که روزگاری در شمار بزرگ ترین واحدهای صنعتی تولید لوازم خانگی بود مدت ها است که به سرنوشت کارخانه های در معرض تعطیل دچار شده است. سرمایه داران چند ماهی است که مدام دست به کار اخراج و بیکارسازی کارگران هستند. تا امروز جمعیت

اعتراض کارگران زن کارخانه تن ماهی در جاسک

خواهند داد. آنان گفتند که در روزهای آینده به استناداری و سایر جاها رجوع خواهند کرد و در مقابل این جنایت کارفرما سکوت نخواهند نمود.

منبع: ندانیوز
۲۵ شهریور ۸۸

کردند و فریاد اعتراض سر دادند. در این اعتراض زنان به ویژه نقش بسیار فعالی داشتند و بر گرفتن مطالبات خود سخت پای می فشردند. فرماندار سرمایه همچون خود سرمایه دار حاضر به دادن هیچ پاسخی به کارگران معترض نشد و به همین دلیل اجتماع کنندگان اعلام داشتند که به اعتراضات خویش ادامه

کارخانه تن ماهی پگاه در شهر جاسک قرار دارد. این کارخانه شمار زیادی کارگر از جمله تعداد قابل توجهی کارگر زن را استثمار می کند. کارگران ماه ها است که موفق به گرفتن حقوق خود نشده اند زیرا سرمایه دار شرکت حاضر به پرداخت هیچ ریالی به آنان نیست. کارگران در مقابل فرمانداری شهر اجتماع

باز هم تعویق ۵ ماهه حقوق کارگران لاستیک البرز

یغما برده است. ذخیره این صندوق ها همه از محل دستمزدهای ناچیز توده های کارگر تأمین می شده و اساس کار بر این بوده که در روزهای سخت احتیاج به صورت وام در اختیار آنان قرار گیرد. همه این ها یک بار دیگر کاسه صبر کارگران را لبریز کرده است. کارگران اعلام کرده اند که در صورت ادامه تعویق حقوق ها پس از پایان شهریور چرخ تولید را متوقف خواهند کرد و دست به اعتصاب خواهند زد.

منبع: اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۵ شهریور ۸۸

چند سال از شروع این وضع می گذرد و اکنون باز هم ۵ ماه است که دستمزدهایشان پرداخت نشده است. هیأت مدیره منصوب سازمان حمایت از صنایع که اداره امور شرکت را به عهده گرفته به شیوه سرمایه دار سلف خود در همه این ماه ها کارگران را در برزخ صبر و انتظار و امید نگه داشته است. او در آخرین وعده دادن هایش پایان ماه شهریور را برای پرداخت حقوق ها تعیین کرده است. اما اکنون کارگران متوجه شده اند که او فقط دستمزدها را مصادره نکرده، بلکه به موجودی های تعاونی و دو صندوق قرض الحسنه شرکت نیز دستبرد زده و مبالغ قابل توجهی از دارایی آن ها را به

ماجرای مبارزات کارگران لاستیک البرز برای گرفتن دستمزدهای معوقه و تضمین اشتغال خود بسیار طولانی و غم انگیز است. کارگران چند سال است که به طور بی امان درگیر این مبارزات هستند. همیشه چند ماه چند ماه حقوق نمی گرفته اند. همواره برای گرفتن هر ماه حقوق باید مدت ها مبارزه می کرده اند. همیشه در معرض اخراج قرار داشته اند. کوه بدهکاری های در تمامی این مدت بر آنان فشار می آورده است. باران حقارت و گرسنگی و فقر لحظه به لحظه بر سر و رویشان می باریده است. کارگران مدام با این بدبختی ها درگیر بوده و علیه این مصائب پیکار کرده اند. الان

کارگران صنایع مخابرات راه دور نفری سی صد هزار تومان گرفتند

نازل نیروی کارشان را به جای پرداخت به آنان صرف انباشت در جاهای پرسودتر نموده است. کارگران در این چند سال در حال مبارزه بوده اند و سرمایه دار تمامی مطالبات کارگران را بدون جواب گذاشته است. کارگران به

با مصادره کل مزدهای این جمعیت در طول این دو سال رقمی حدود ۴ میلیارد تومان بر سرمایه های خود در سایر حوزه های سرمایه گذاری افزوده است. به بیان دیگر، او کارگران را هر چه شدیدتر استثمار کرده و در همان حال بهای

هر کارگر صنایع مخابرات راه دور به طور متوسط ۴ میلیون تومان از صاحبان شرکت طلبکار است. ۴ میلیون تومان تقریباً معادل حقوق ۲ سال کارگران است. صنایع مخابرات راه دور حدود ۹۵۰ کارگر دارد و سرمایه دار

۳۰۰ هزار تومان به هر کارگر بپردازد!
منبع: ایلنا ۲۵ شهریور ۸۸

اعتراض خویش ادامه داده اند و اینک کارفرما بعد از مدت ها سرانجام حاضر شده است که

کارخانه آلومینیوم اراک در خطر تعطیل

اند که در غیراین صورت خطر تعطیل به صورت بسیار جدی شرکت را تهدید می کند و چه بسا در آینده بسیار نزدیکی همه ۴۰۰۰ کارگر کارخانه بیکار شوند.

منبع: ایلنا

۲۵ شهریور ۸۸

برای سال جاری بالغ بر ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان خواهد شد!! سرمایه داران از دولت می خواهند که مبالغ هر چه عظیم تری از سرمایه های حاصل کار و استنثار توده های کارگر را از بانک ها بیرون کشد و در اختیار آنان قرار دهد تا از این طریق به ادامه استنثار ۴۰۰۰ کارگر و سوداندوزی های مطلوب خود ادامه دهند. سرمایه داران در همان حال تهدید کرده

شرکت آلومینیوم اراک ۴۰۰۰ کارگر را استنثار می کند. این کارخانه قبلاً در مالکیت دولت سرمایه داری بود و اینک مدتی است که به سرمایه داران خصوصی واگذار شده است. صاحبان جدید چند ماهی بعد از انجام مراسم واگذاری اعلام کردند که ۵۶ میلیارد تومان زیان سالانه داشته اند. آنان اخیراً در گزارشی دیگر مدعی شده اند که رقم زیان دهی آن ها

اعتراض کارگران هفت تپه به کاهش اضافه کاری

نیستند. کارگران روزها است که بر سر این موضوع با سرمایه داران اختلاف پیدا کرده اند اما اعتراض و مخالفت آنان بی جواب مانده است.

منبع: ایلنا

۲۴ شهریور ۸۸

می کرده اند. این وضع اکنون عوض شده است. شرکت هفت تپه نیاز به این اضافه کاری ها ندارد. به کارگران اخطار کرده است که ۱۳۰ ساعت اضافه کاری ماهانه سال های پیش تا حدود ۳۰ ساعت در ماه کاهش خواهد یافت. این خبر زندگی کارگران و خانواده های آن ها را دچار آشوب کرده است. آنان می گویند با قطع این اضافه کاری ها و پولی که بابت آن می گرفته اند قادر به تأمین حداقل معیشتی خود

کارگران نیشکر هفت تپه با وجود شرایط مرگباری که در آن کار می کنند به دلیل سطح بسیار نازل دستمزدهایشان و زیر فشار کشنده فقر و گرسنگی و فلاکت دامنگیرشان خواستار اضافه کاری هستند. کابوس گرسنگی آن ها را وا می دارد تا خواهان چند ساعت اضافه کاری باشند. آنان در سال های پیش این اضافه کاری را انجام می داده اند و دستمزد حاصل آن را صرف ترمیم وضعیت رفعت بار معیشتی خویش

ادامه اعتراضات مادران داغدار

مادران مسعود هاشم زاده و مهدی حسینی ۱۴ ساله، شتافتند تا همدردی خود را با آنان و حرکت اعتراضی شان اعلام کنند. نیروی سرکوب مرکب از گشت ارشاد و نیروی انتظامی همچنان به تهدید و ایجاد رعب و وحشت ادامه دادند و در نقایق آخر پلیس کلانتری ۱۴۸ را نیز به یاری طلبیدند. عوامل سرکوب بر پافشاری خود برای متفرق کردن معترضان افزودند و سرانجام در ساعت ۹ توانستند جمعیت را از پارک دور کنند.

منبع: فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

۲۳ شهریور ۸۸

کرد که هر چه زودتر متفرق شوند، در غیر این صورت مورد ضرب و شتم قرار خواهند گرفت و راهی سیاهچال خواهند شد. مادران در سکوت به حرکت اعتراضی خویش ادامه دادند. عوامل سرکوب سوار بر دو خودرو نظامی تظاهرات کنندگان را محاصره کردند. اما تهدیدها و تهاجم آنان خللی در عزم مصمم مادران معترض و همراهان آنان پدید نیاورد. علاوه بر این، هر چه زمان می گذشت بر شمار جمعیت معترض اضافه می شد. تظاهرات حدود ۲۵ دقیقه طول کشید و در پایان این مدت راه پیمایان در کنار میدان اجتماع کردند. در این حال، جمعیت به سوی دو تن از مادران داغدار،

روز شنبه ۲۱ شهریور مادران داغدار همراه با جمعیت قابل توجهی از زنان دیگر در ادامه اعتراض خویش علیه جنایات، گشتار و توحش دولت سرمایه داری در میدان آب نمای پارک لاله جمع شدند. این گردهمایی اعتراضی از ساعت ۶ بعد از ظهر آغاز گردید و به تدریج بر شمار حاضران اضافه شد، به گونه ای که در ساعت ۶ و ۲۰ دقیقه بیش از ۸۰ نفر در پارک حضور یافتند. جمعیت از این لحظه به بعد شروع به تظاهرات و راه پیمایی کرد. طولی نکشید که یک ماشین گشت ارشاد خود را به محل رساند و تهاجم خود را علیه راه پیمایان آغاز کرد. نیروی دولت سرمایه زنان را تهدید

قتل عام جدید کارگران در معادن سرمایه داری چین

سرمایه و گورهای دسته جمعی توده های کارگر است. هفته ای نمی گذرد که یکی از این معادن منفجر نشود یا به شکل دیگری بر سر کارگران

نخستین گزارشات از قتل حتمی ۳۵ نفر و زنده به گور شدن ۴۴ نفر دیگر حکایت داشت. معادن چین مرکز چشمه های جوشان سود

هفته پیش روزنامه های چین خبر وقوع فاجعه ای دیگر در معادن این کشور را منتشر کردند. این بار هم سخن از گشتار ده ها کارگر بود.

کشتکان را بسیار بیشتر از این می دانند.
سپتامبر ۲۰۰۹

خراب نگردد. تنها در سال ۲۰۰۸ بیش از ۲۲۰۰ کارگر معدن در کشور چین جان خود را از دست داده اند. جریانات کارگری شمار واقعی

اعتصاب کارگران راننده خرمشهر

کار خود حاضر نشد و هیچ مسافری توسط هیچ اتوبوسی جا به جا نگردید.

منبع: آژانس ایران خبر

۲۳ شهریور ۸۸

هیچ آهی در بساط و لقمه نانی در سفره خود ندارند. رانندگان اتوبوس های شهری در مقابل ساختمان شهرداری اجتماع کردند و خواستار پرداخت فوری و بی قید و شرط همه مطالبات خود شدند. اعتصاب رانندگان توقف کلیه اتوبوس های خطوط شهری خرمشهر را به دنبال داشت. روز شنبه هیچ راننده ای در سر

صبح روز شنبه ۲۳ شهریور بیش از ۲۰۰ راننده شرکت اتوبوس رانی خرمشهر دست از کار کشیدند. کارگران ۴ ماه است که هیچ ریالی حقوق نگرفته اند، دستمزد هایشان به طور کامل مصادره شده و گرسنگی و فقر و بدهکاری و حقارت و ذلت همچون خوره به جان آنان افتاده است. کارگران فریاد می زدند که گرسنه اند و

قطع انگشت دست کارگر با ماشین سود سرمایه

دفترچه بیمه خود را بیاورد. کارگر کارخانه شوگا اینک دچار نقص عضو شده و انگشتان خود را از دست داده است. کارگران همزنجیرش ضمن اعتراض به جنایت سرمایه داران می گویند احتمال اخراج و بیکار شدن او بسیار زیاد است.

منبع: آژانس ایران خبر

۲۳ شهریور ۸۸

در خویش نمی دید. او مجبور بود نیروی کارش را بفروشد تا با بهای نازل و محقر آن نان روزانه زن و فرزند خویش را تهیه کند. این کارگر ۲۴ سال داشت. او ترجیح می داد که خطر حتمی از دست دادن انگشتان را به جان بخرد اما اخراج نشود. حادثه رخ داد و کارگر با انگشتان قطع شده راهی بیمارستان شد. سرمایه دار مدیر بیمارستان از پذیرش کارگر مصدوم خودداری کرد و اعلام داشت که بدون دفترچه بیمه او را راه نخواهند داد. کارگر مجبور شد با انگشت قطع شده به خانه برود تا

حادثه این بار در کارخانه شوگا رخ داده است. کارگری که گوشت چرخ می کرد دچار سانحه شد. انگشتان دست وی به درون چرخ گوشت فرورفت و خرد شد. چرخ گوشت کارخانه بسیار فرسوده و مستعمل و خراب بود و کار با آن خطر حتمی وقوع حادثه را همراه داشت. کارگر مصدوم به صورت پیمانی کار می کند. او فاقد هر نوع تضمین اشتغال است و همواره در معرض اخراج و بیکاری قرار داشته و دارد. کارگر به همین دلیل جرأت اعتراض به خرابی چرخ گوشت و مخاطرات حتمی آن را

وضعیت کارگران در کارخانه نیر پارس

و ذهاب دریافت می کردند. کارفرما حکم به قطع این بخش از دستمزد داد. علاوه بر این، اعلام کرد که سهمیه کالاهای نقدی و غیرنقدی کارگران قطع خواهد شد، پاداش سالانه به آنان پرداخت نخواهد گردید، همه کارگران از حق گرفتن وام محروم می شوند و بالاخره ساعات اضافه کاری و حقوق ناچیز آن نیز حذف می شود. کارگران رسمی باقی مانده در روزهای اخیر دست به اعتراض زده اند. اما بدبختانه اعتراض خویش را به شکوائیه نویسی برای احمدی نژاد محدود کرده اند. این که آنان با توجه به انبوه تجارب همزنجیرانشان در ایران و دنیا چرا باز هم به عریضه نویسی توسل جسته اند به نظر می رسد علتش این باشد که توان مبارزه موثر با سرمایه داران را در خود نمی بینند و احتمالاً پیش خود می گویند که «کاچی به از هیچی است». اما کارگران باید بدانند که واقعاً چنین نیست. کاچی هم همان هیچی است!! اما معنای این سخن آن نیست که باید تسلیم کاچی و هیچی شد. این چیزی است که دشمنان ما می خواهند. آنچه ما باید انجام دهیم متحد شدن، مبارزه کردن، قدرتمند شدن و اعمال قدرت است. این ها همه امکان دارد و همه امکاناتش در ما و طبقه ما و جنبش ما موجود است. این توان و امکان را باید شناخت و

کارخانه نیر پارس تا چند سال پیش در شادآباد (منطقه ۱۸ تهران) مستقر بود و شمار زیادی کارگر از جمله ۱۰۵ نفر دارای قرارداد دائم را استثمار می کرد. این شرکت در سال ۱۳۸۱ به کیلومتر ۱۲ اتوبان کرج - قزوین منتقل شد و چندی بعد در اجرای طرح خصوصی سازی یک شرکت بزرگ صنعتی متعلق به سرمایه داران خصوصی به نام مینا آن را خرید. سرمایه داران جدید خیلی زود شروع به اجرای برنامه های خویش کردند. قبل از هر چیز ۸۰ تن از کارگران رسمی را به قراردادی تبدیل کردند. عده ای را به طور کامل اخراج کردند. ۱۰ کارگر را در آستانه بازنشستگی قرار دادند و بالاخره ۱۵ نفر را علی الظاهر به همان صورت رسمی باقی گذاشتند. سرمایه داران همه این سیاست های جنایتکارانه را اعمال کردند و کارگران نیز زیر فشار وضعیت وخیم جنبش خود، بی سازمانی، عدم اتحاد، درماندگی و سردرگمی موفق به هیچ مقاومت مؤثری در مقابل این تهاجمات نشدند. این وضع به سرمایه داران امکان داد تا در تاخت و تاز خود علیه حداقل معیشتی و حقوق نازل کارگران به این حد اکتفا نکنند و دست به تعرضات باز هم بیشتری بزنند. کارگران رسمی پس از جا به جایی محل کارخانه هر روز ۲ ساعت حق ایاب

باید آن را به کار گرفت. بی تردید، این امر زمان می برد و به پشتکار و پیگیری نیاز دارد. اما ما چه بخواهیم و چه نخواهیم راهی جز این نداریم. پس بدون احساس یاس و نومیدی و با روحیه قوی به استقبال اتحاد و تشکل شورایی و ضدسرمایه داری برای مقابله قدرتمندانه با سرمایه داران و دولت آن ها برویم. عریضه نویسی و در انتظار ترحم سرمایه داران و دولت آن ها نشستن پل بسنن بر روی قدرت و عزت و همه چیز خودمان است.

متن نامه کارگران به احمدی نژاد به شرح زیر است :

« به استحضار می‌رساند اینجانبان از پرسنل رسمی شرکت نیرپارس با سوابق حدود ۲۰ سال هستیم که تا سال ۱۳۸۱ به علت واقع شدن کارخانه در منطقه ۱۸ تهران (شادآباد) انجام وظیفه می‌کردیم. معذالک از سال ۱۳۸۱ به علت این‌که کارخانه در منطقه مسکونی قرار داشت، با تصویب وزارت کار و مدیریت وقت عامل با دریافت روزانه ۲ ساعت حق ایاب و ذهاب، به هلجرد واقع در کیلومتر ۱۲ اتوبان کرج قزوین بلوار کاوش انتقال یافتیم .

در سال ۱۳۸۶ و در اجرای طرح واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی (اصل ۴۴)، شرکت مپنا مادر اقدام به خرید شرکت نیرپارس کرد و از همان ابتدا هیات مدیره جدید شرکت با اهداف از پیش تعیین شده‌ای شرکت را به دو بخش دفتر تهران با نام شرکت نیرپارس و کارخانه با نام شرکت مهندسی و ساخت تجهیزات مپنا تقسیم کرد و متعاقب آن به کلیه نیروهای رسمی مستقر در کارخانه (تجهیزات مهندسی مپنا) که حدود یکصد و اندی بودند اعلام کرد که در صورت تمایل به ادامه همکاری با شرکت باید طی امضای برگه‌ای (قرارداد صوری) و با دریافت یک ماه و نیم از نیرپارس تسویه حساب کرده و به صورت قراردادی جذب تجهیزات مپنا شوید .

لازم به ذکر است که بعد از چندی معلوم شد که آن قرارداد صوری جهت ارائه به یک شرکت پیمانکاری کاربایی بوده که بتواند به دولت بگوید که با تاسیس شرکت جدید در منطقه اشتغالزایی کرده و از مزایایی همچون دریافت وام از دولت و ۲۰ درصد معافیت مالیاتی برخوردار شود و در صورت عدم تمایل به ادامه همکاری با دریافت ۲ ماه با شرکت تسویه کرده که این به منزله قطع همکاری با شرکت بود؛ یعنی این که تمامی زحمات چندین و چند ساله مان فنا شود .

حال از آن یکصد و اندی پرسنل رسمی حدود ۸۰ نفر قراردادی شده‌اند، حدود ۱۰ نفر نیز تا پایان سال ۱۳۸۸ ظاهراً بازنشسته می‌شوند و ما که ۱۵ نفر هستیم، کماکان رسمی مانده‌ایم و قراردادی نشده‌ایم که این عدم پذیرش باعث شده از مهرماه ۱۳۸۷ تمامی مزایای قانونی ما قطع شده که برخی از امتیازات حذف شده به شرح ذیل است :

۱- عدم دریافت کالاهای نقدی و غیرنقدی با این توضیح که حتی پرسنل نیرپارس در مرحله بازنشستگی نیز آن را دریافت می‌کنند .

۲- عدم دریافت پاداش

۳- عدم دریافت وام

۴- حذف اضافه‌کاری (فقط ما ۱۵ نفر به‌رغم فعالیت مشابه همانند سایر همکاران نمی‌توانیم اضافه‌کاری کنیم)

حال با توجه به موارد یاد شده ما ۱۵ نفر پرسنل رسمی باقی‌مانده تقاضا مندیم که :

۱- همانند سایر همکاران امنیت شغلی داشته باشیم .

۲- عدم تبعیض در پرداخت پاداش کمک‌های نقدی و غیرنقدی، وام، اضافه کاری و ...

۳- جلوگیری از تحمیل شرایط خاص و ناهق .

۴- اجرای کامل تعهدات شرکت نیرپارس توسط مدیریت تجهیزات مپنا نسبت به پرسنل رسمی .

در آخر مواردی را که نگرانی ما را دو چندان ساخته اجمالاً به عرض می‌رسانیم که مهم‌ترین آن این است که دوستانی که قراردادی شده و از حالت رسمی خارج شده‌اند به علت تغییر کد کارگاه و کد بیمه قانون از تاریخ ۸۵/۱۱/۱۸ نمی‌توانند با سوابق ۲۵ سال بازنشسته شوند، چون از سازمان گسترش و نوسازی منفک و زیر نظر وزارت نیرو هستند .

مورد دوم که باعث نگرانی‌مان این است که شرکت تجهیزات مهندسی مپنا درصدد است تا پایان سال ۱۳۸۸ پروانه بهره‌برداری شرکت نیرپارس را به پروانه بهره‌برداری تجهیزات مپنا تغییر دهد که در صورت انجام این کار در خصوص بازنشستگی ۲۵ سال با مشکل مواجه شده و باید ۳۰ سال خدمت کنیم که این از انصاف به دور است .

سومین مورد و تقریباً مهم‌ترین آن این است که در زمان واگذاری شرکت نیرپارس، خریدار یعنی شرکت مپنا طبق ماده ۱۷ اصل ۴۴ سازمان خصوصی‌سازی خریدار را مکلف کرده موارد ذیل را رعایت کند:

بند ۱) بازنشستگی پیش از موعد بر اساس مواد ۹ و ۱۰ قانون بازسازی و نوسازی صنایع مصوب ۸۵/۱۰/۲۶ که برای این بنگاه‌ها تا پایان سال ۱۳۹۳ تمدید شد .

بند ۲) بازخرید بر اساس توافق .

بند ۳) پس از اقدامات فوق، تعداد کارکنان هر شرکت قابل واگذاری را در سند واگذاری ثبت و این شرط را در شرایط واگذاری بگنجانند که مدیران شرکت‌های واگذار شده تا ۵ سال حق کاهش پرسنل خود را ندارند .

بند ۴) برای خریداران شرکت‌هایی که حاضر باشند تعداد کارکنان شرکت را پس از واگذاری افزایش دهند مشوق‌های مالی و غیرمالی از جمله تخفیف در اصل قیمت اعمال کنند .

بند ۵) آموزش و به کارگیری نیروی مازاد در واحدهای دیگر راسا و یا به کمک خریداران بنگاه‌ها با استفاده از مشوق‌های مالی و غیرمالی .

در آخر به اطلاع آن مقام می‌رساند که ۱۵ نفر از پرسنل رسمی را با غیرفعال کردن کارت پرسنلی از کارخانه اخراج کرده‌اند. لطفاً کمکمان کنید و جلوی ظلم و ستم این‌گونه افراد سودجو را که نان ما و خانواده‌هایمان را بریده‌اند از راه قانونی بگیرید تا برای دیگران درس عبرتی شود و بفهمند که این مملکت قانون دارد و اصل ۴۴ را آن گونه که خودشان می‌خواهند تفسیر نکنند.»

منبع: اینلنا

۲۲ شهریور ۸۸

کارگران ایران خودرو با اعتراض به کشتار و شکنجه و سرکوب مردم زحمتکش ایران سالروز مرگ همکار خود پیمان رضی لو و تمام جان باختگان حوادث کار و یاد شهیدان راه آزادی زحمتکشان را گرامی می دارند

دوستان و همکاران گرامی!

روز بیست دوم شهریورماه مصادف با سالروز مرگ همکار عزیزمان پیمان رضی لو است. در چنین روزی در سال ۱۳۸۲ پیمان در شبقت بعد از ظهر در اثر فشار کار زیاد جان خود را از دست داد. ما یاد پیمان و تمام کارگرانی که در اثر محیط های نا امن کاری جان خود را از دست داده اند و یاد تمام شهیدان راه آزادی که جان خود را نثار آزادی ما کارگران کرده اند گرامی می داریم. ما اعتراض خود را علیه سیاست های ضدکارگری دولت که همراه با کشتار و سرکوب و شکنجه است اعلام می داریم.

دوستان و همکاران گرامی!

۶ سال از مرگ همکار عزیزمان پیمان رضی لو می گذرد. پیمان رضی لو کارگر خط مونتاژ پژو بود که شش سال پیش در چنین روزی جان خود را در اثر فشار کار زیاد از دست داد.

دوستان کارگر!

امروز درحالی یاد عزیزان مان را گرامی می داریم که علاوه بر ده ها کشته از کارگران در اثر نا امن بودن محیط کار، ده ها نفر از مردم ما طی حوادث اخیر جان خود را از دست داده اند. ده ها نفر دستگیر و در زندان ها به سر می برند. امروز وظیفه ما بس سنگین تر و سخت تر شده است. ما کارگران قربانیان صف اول تجاوزات سرمایه داران هستیم. ما هیچ چاره ای جز مبارزه برای بقا و برای ایجاد یک زندگی بهتر نداریم. ما امروز چاره ای جز مبارزه برای آزادی و ورهایی از سرکوب و اختناق نداریم. ما کارگران امروز دریافته ایم که دیگر بعضی از خواسته هایمان دادنی نیست بلکه برای به دست آوردن آن باید مبارزه کنیم. امروز در این سنگر مبارزه تنها نیستیم بلکه همراه ما توده های طبقه مان و جوانان آگاهی قرار دارند که چاره ای جز مبارزه برای ایجاد یک دنیای بهتر ندارند. دولت و مجلس حامی سرمایه داران در مقابل ما ایستاده اند. آن ها یک سری قوانین ضدکارگری را بر ما تحمیل می کنند. اخراج های بی رویه ادامه دارد. از ایجاد تشکل جلوگیری می کنند. قراردادهای موقت همچنان باقی است. شرکت های پیمانکاری به کار خود ادامه می دهند و کارگران آن ها به صورت برده خرید و فروش می شوند. دریافتی هایمان پایین آمده است. تورم روز به روز سرسام آورتر می شود. در عوض دولت و مجلس جواب ما را با کشتار و زندان و شکنجه می دهند.

دوستان کارگر!

برای رسیدن به خواسته ها یمان باید تلاش کنیم. مبارزه و اتحاد راه رسیدن ما به خواسته ها یمان است. ما همچنان خواهان شرایط محیط کاری بهتر و ساعت کاری مناسب تر هستیم. ما می دانیم تا زمانی که سرمایه داران بر ما حکومت می کنند و کار مزدوری وجود دارد شرکت های پیمانکاری نیز وجود خواهند داشت. تا زمانی که قراردادهای موقت لغو نشده است حرف زدن از محیط کار مناسب و امنیت شغلی يك شوخی بیش نیست. ما خواهان انحلال کامل شرکت های پیمانکاری هستیم ما خواهان لغو قراردادهای موقت و استخدام تمام همکاران خود در شرکت هستیم. ما خواهان افزایش حقوق هایمان متناسب با تورم هستیم. ما کار کردن را حق مسلم هر کارگر بیکار می دانیم. اما بیکار سازی و اخراج کارگران شرکت های پیمانکاری را محکوم و از خواست های آنان پشتیبانی می کنیم. ما برای سلامتی همکاران خود و برای ایجاد يك محیط امن خواهان آزادی تمام تشکل های کارگری در شرکت هستیم.

ما یاد عزیزان مان را گرامی می داریم که قربانی سرمایه داران شده و جان خود را از دست داده اند.

به همین مناسبت روز سه شنبه ۲۴ شهریور ۸۸ ضمن گرامیداشت یاد همکار عزیزمان پیمان رضی لو و تمام جان باختگان شرایط نا امن محیط کار و یاد شهیدان راه آزادی زحمتکشان در سالن های غذاخوری گرد می آئیم و ضمن اعلام همبستگی با جنبش مردم اعتراض خودمان را بر علیه سیاست های ضد مردمی دولت، بر علیه کشتار و سرکوب و شکنجه اعلام می داریم و خواهان آزادی تمامی زندانیان سیاسی و دستگیری و محاکمه تمام عاملین سرکوب و کشتار مردم ایران در یک دادگاه مردمی و با حضور وکلای انقلابی و مردمی می شویم.

گرامی باد یاد پیمان و تمام کارگران جان باخته شرایط نا امن کاری

گرامی باد تمام شهیدان راه آزادی زحمتکشان

زنده باد جنبش انقلابی مردم ایران

جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو

۲۲ شهریور ۸۸

(با ویرایش فارسی)

خروج از کنفدراسیون اتحادیه های کارگری

نزدیک شده اند. دیوان سالاری اتحادیه ای در شرایط طغیان بحران و اوج گیری بی عنان تعرض سرمایه همه جا در کنار سرمایه داران و نظام سرمایه داری و علیه توده های کارگر صف آرایی کرد. همه جا عصای دست سرمایه علیه کارگران شد. همه جا معیشت و حداقل رفاه

اتحادیه سراسری رای دادند. به این ترتیب، اتحادیه کارگران خودروسازی کره از طریق یک پیمان رسمی به رابطه اش با KCTU قدرتمند خاتمه داد.

اتحادیه های کارگری در سال های اخیر بیش از هر زمان دیگری به آستانه اختلال و فروپاشی

کارگران شرکت عظیم خودروسازی Ssangyong Motors خروج جمعی خود از کنفدراسیون اتحادیه های کارگری KCTU، دومین اتحادیه بزرگ سراسری کره جنوبی، را اعلام کرده اند. دیروز اکثریت قابل توجهی از کارگران این شرکت به خروج اتحادیه خود از

برای بیکار کردن ضد کارمزدی آنان باشد و ثانیاً شط پرخروش سود سرمایه را برای هیچ لحظه ای از فروش باز ندارد. اتحادیه ها در هر کجا که این دو شرط فراهم نباشد حتماً با تمامی قدرت درمقابل کارگران می ایستند و برای موفقیت سرمایه داران به هر ترفند ضدکارگری دست می زنند.

KCTU اینک عضویت شمار کثیر کارگران خودروسازی Ssangyong Motors را از دست داده است. کارگران این شرکت به طور دسته جمعی و با فریاد رسای اعتراض استعفا خود را اعلام کرده اند. سران KCTU اما دست بردار نیستند. آنان سخت در تدارک توطئه اند و اعلام کرده اند که برای ممانعت از خروج توده های کارگر به هر کاری دست می زنند.

سپتامبر ۲۰۰۹

با عزمی جزم به یاری همزنجیران خویش شناختند. برای آنان آب آوردند. نان خویش را با آنان تقسیم کردند. منطقه محل استقرار کارخانه به میدان جنگ کار و سرمایه تبدیل شد. همه این حوادث پشت سر هم روی داد و در این میان اتحادیه کارگری KCTU با بیشرمی در کنار سرمایه داران ایستاد.

آنچه KCTU کرد هیچ تازگی نداشت. سران KCTU همان کردند که اتحادیه های کارگری در همه جای دنیا می کنند و تاریخاً چنین کرده اند. کار جنبش اتحادیه ای قبض روح هر نوع جنب و جوش ضدسرمایه داری طبقه کارگر است. بنیاد کار رفرمیسم اتحادیه ای بر انحلال همه جانبه تمامی قدرت سرمایه ستیز طبقه کارگر در باتلاق سازش با سرمایه استوار است. اتحادیه نهاد دفاع از ماندگاری سرمایه داری است و اعتراض و اعتصاب کارگران را فقط تا جایی مجاز می داند که اولاً بدیل آهنینی

و حقوق کارگران را در پای معبد سوداندوزی انبوه تر سرمایه قربانی کرد. همه جا طبقه کارگر را پس از خلع سلاح کامل به تیغ نیز کشتار سرمایه سپرد. KCTU نیز بدون کم و کاست چنین کرد و با این کار خویش سبب خشم کارگران شد. توده وسیع کارگران تراست عظیم Ssangyong Motors چند ماه پیش یکی از گسترده ترین کارزارها را علیه سرمایه داران و دولت سرمایه داری کره جنوبی به راه انداختند. آنان در روند این کارزار از زمین و آسمان آماج حمله فرار گرفتند. پلیس سرمایه مدام صفوف کارگران را آماج تهاجم توحش بار خود قرار داد. هلیکوپترهای سرمایه با توسل به کثیف ترین و رذیله ترین قساوت ها از بالا بر سر کارگران سموم مرگبار شیمیایی ریختند. نیروی سرکوب، آب را بر روی کارگران اعتصابی بست و رساندن مواد اولیه خوراکی به آنان را ممنوع کرد. توده های کارگر کره جنوبی از اطراف و اکناف و مراکز کار مختلف

کارگران اپل و بازی سرمایه

در جهان. رئیس اروپایی GM می گوید شورای اداری جدید معتقد است که اپل باید با GM بماند زیرا خودرو معتبری در بازار است و بازار اروپا هم که بازار اصلی اپل است بازار مهمی است. در مقابل، رئیس اروپایی کنسرن می گوید دلیل این که GM تا کنون از اعلام ورشکستگی اپل خود داری کرده این است که دولت آمریکا اجازه این کار را نداده است. اما اوپاما می گوید دولت در این امر دخالت نمی کند و تصمیم گیری را حق مدیران خود کنسرن می داند. در حالی که می دانیم با کمک ۵۰ میلیارد دلاری دولت اوپاما به GM که ۱۴ میلیارد دلار آن تاکنون پرداخت شده است، بخش بزرگی از سهام شرکت (۶۱٪) اکنون به دولت تعلق دارد. اپل همواره بعد از اخراج ۹۰۰۰ کارگر در سال ۲۰۰۶ تا کنون سود ده بوده است. ضرر وزیران اعلام شده ۶/۱ میلیارد دلاری که ۴ میلیاردش تا کنون تامین شده در حقیقت نه زیان واقعی بلکه کاهش سود مورد انتظار به خاطر بحران جاری است. دلیل دیگر این است که GM بدهی های دیگر خود را به اپل منتقل می کند چنان که این کار در سه ماه سوم ۲۰۰۹ سبب یک رقم منفی ۷۸۰ میلیون دلاری برای اپل شده است. آن چه که تاکنون بعد از بحران های بزرگ رخ داده این بوده است که نسل های جدیدی از تکنولوژی سربر آورده اند که به سرعت نسل های قبلی را کهنه و از دور خارج کرده اند و با خود امکان

این روند تا زمانی که این شیوه تولید با برجا باشد یعنی تا زمانی که کارگران عزم خود را برای امحای آن جزم نکنند جاری خواهد بود و تاووم خواهد یافت. نماینده شورای کل اپل در این باره می گوید: این که چگونه این تصمیم حاصل شده است معلوم نیست. اما نماینده خود، جان اسمیت، را به برلین فرستاده اند تا در کنفرانس خبری با دولت در این مورد حضور داشته باشد.

در مورد سرنوشت اپل البته هیچ گاه از سرنوشت کارگزارانش صحبت نمی شود. زیرا در بهترین حالت پولی به آن ها می دهند و سپس به عنوان بیکار به اداره کار معرفی می شوند و یک سال یا بیشتر، بسته به سن کارگران، پول بیکاری می گیرند و سپس به آژانس کاریابی حواله می شوند. در آن جا به آن ها خواهند گفت که اگر خانه یا ماشین یا اموالی دارند بفروشند و پولش را بخورند. وقتی تمام شد بیابند برای پول بیکاری هارتص ۴ خود را معرفی کنند تا به کارهای ساعتی یک یورویی فرستاده شوند. از چهار گزینه صحبت می شود:

- ۱- فروش اپل به مگنای کانادایی و شریک روسی اش که خود رابطه تنگاتنگی با GM دارد
- ۲- فروش آن به شرکت سرمایه گذار اتریشی RHJ
- ۳- باقی ماندن اپل با کنسرن مادر و
- ۴- اعلام ورشکستگی و پایان زندگی اپل به عنوان یک شرکت موفق خودروسازی

مذاکرات بی پایان بین کنسرن مادر GM (جنرال موتورز) و دولت آلمان و سه دولت محلی بر سر شرکت اپل از آغاز سال جاری تا کنون همچنان تیتتر مهم روزنامه ها است. کارگران اپل این زمان طولانی را در بیم و امید به سر برده اند. هر شب با کابوس بیکاری سر بربالش گذاشته اند و هر صبح با امید یافتن روزنه گریزی از خانه روانه کارخانه شده اند. در تمام این مدت کار کمکان ادامه داشته و تولیدات راهی بازار شده اند. گویی کارگران اپل بازبچه سرمایه جهانی و بند و بست های آن شده اند. GM اپل را با دست می راند و با پا پیش می کشد و هر روز قصه تازه ای را ساز می کند. کار و زندگی بیش از ۵۰ هزار کارگر و خانواده هایشان در خطر است. این بار می گویند مساله خاتمه یافته و شورای اداری در GM دیتروت تصمیم خود را گرفته است و اپل را خواهد فروخت. سرمایه هیچ لزومی نمی بیند که کارگران را در جریان امور بگذارد. لازم نمی بیند بگوید با زندگی و آینده آن ها چه قمار می کند. زیرا کارگر در نظام سرمایه داری تنها حق دارد نیروی کار خود را آزادانه!! به هر که می خواهد بفروشد و بعد از آن این نیرو دیگر به او تعلق ندارد بلکه ملک مطلق سرمایه دار است و اوست که در باره آن تصمیم می گیرد. کارگر باید کار کند و ارزش اضافی بیافریند تا به قول آن ها خودافزایی سرمایه تحقق یابد و پول به سرمایه تبدیل شود.

به زودی دوباره بختگ بستن کارخانه و بیکاری به سراغ کارگران آلمانی خواهد آمد و محدود به رفقای کارگیشان در بلژیک نخواهد ماند. تا کنون کارگران آلمانی کمپینی را برای حمایت از رفقای بلژیکی که در خطر از دست دادن کارشان هستند و آینده خودشان نیز به آن گره خورده است ترتیب نداده اند و یا شاید در فکر آن هم نباشند که کمپین مشترک کلیه کارگران اپل در اروپا را برای مبارزه با بیکاری قریب الوقوع ترتیب دهند. از مبارزه ضدسرمایه داری و لغو کارمزدی به دلیل رسوب رفرمیسم در رگ و پی جنبش کارگری حرفی در میان نیست. ولی واقعیت نشان می دهد که این وضع نمی تواند به همین روال باقی بماند. لیکن شادی کارگران هنوز برکنج لب بود که امروز یک شنبه ۱۲ سپتامبر برملا شد که در برنامه مگنا خط خوردن ۳۰۰۰ شغل در بخش تولیدی اپل در آلمان در دستور کار است و خبر بعدی آن را تکمیل کرد که ۱۱۰۰ شغل بخش اداری نیز خط خواهند خورد و بختگ بیکاری بر بستر زندگی ۴۱۰۰ کارگر و خانواده هایشان فرو خواهد افتاد.

۱۲ سپتامبر ۲۰۰۹

مهندس آلمانی آن را طرح و تکمیل کرده است و آمریکا چنان که رئیس جدید شورای اداری کنسرن می گوید می تواند با کمک تکنولوژیک این مرکز میلیاردها دلار پول تکمیل تکنیکی را پس انداز کند و در صورت امکان این مرکز تحقیق و توسعه را به خاطر اهمیت تکنولوژیک آن به ایالات متحده منتقل کند و هم با کمک آن بتواند میلیاردهای دیگری را با پروژه محیط زیست دولت اوباما نصیب خود کند.

آخرین خبر مخابره شده این است که بالاخره تصمیم جدی گرفته شده و اپل به مگنا فروخته خواهد شد. اما این به معنی قطع ارتباط GM با اپل نخواهد بود زیرا بخشی از سهام به نام کنسرن باقی خواهد ماند و چون مگنا در تکمیل تولید کرایسلر، مرسدس کلاسه ت و سآب همکاری دارد و به GM وابسته است، نفوذ GM برجا خواهد بود. صحبت از این است که ۴ مرکز آلمانی بسته خواهند شد و کارگران آن ها اخراج خواهند شد بلکه به جایی آن ها کارخانه اپل بلژیک بسته خواهد شد. خلاصه مرگ خوب است اما برای همسایه. خانم مرکل و وزیر خارجه اش اشتاین مایر از این تصمیم GM استقبال کردند. اما این پایان ماجرا نخواهد بود و

گردش سریع سرمایه های انباشت شده را فراهم آورده اند و تولیداتی را به بازار عرضه کرده اند که تولیدات قبلی را بازنشسته کرده اند و شاید تقلا GM برای رهایی از اپل از این دیدگاه نیز باشد. البته این شامل همه بخش های اپل نخواهد بود. شاید گفته های نماینده شورای کارگران اپل را بشود با این دید هماهنگ دید. وی می گوید: ما نقشه های GM را به خوبی می شناسیم. آن ها خواهان بستن کارخانه در بوخوم هستند. کارگاه های شهر ایزناخ را هم می خواهند بفرشند و اگر موفق نشوند آن را خواهند بست. ابتدا دو سال کارگران را مجبور خواهند کرد که نه تمام وقت بلکه ساعات کمتری کار کنند و سپس زرمه بستن به واقعیت خواهد پیوست و کارگزاران به ارتش بیکاران خواهند پیوست. با این حساب احتمالا یک شغل از هر سه شغل از بین خواهد رفت.

برای GM تنها مرکز تحقیقات روسلهایم مهم است زیرا در این مرکز ۶۰۰۰ مهندس آلمانی با حقوق های بالا روی پروژه های جدید خودرو، روی همه مدل های میان کلاس GM، کار می کنند. از جمله این پروژه ها خودرو برقی یا خودرو سبز است که فرانک و بر

آیا تشدید استثمار کارگران را هیچ مرزی نیست؟

زن هستند چنان کوه رفیعی از سرمایه بر هم انباشته است که گردش اعتبار ماهانه اش از مرز یک میلیارد تومان بالاتر رفته است. محصولاتش که بیشتر لباس بیمارستانی است به چند کشور همسایه از جمله عراق صادر می شود. جویبار سودش هر روز پرخروش تر می شود و در عوض کارگزارانش ثانیه به ثانیه فرسوده تر، نحیف تر، مردنی تر و مفلوک تر می گردند. آری، برای استثمار کارگر توسط سرمایه تا جایی که به سرمایه دار مربوط است هیچ مرزی نیست. این کارگر و مبارزه او است که می تواند برای استثمار مرز تعیین کند و در نهایت آن را از صحنه گیتی محو نماید.

منبع: فعالان شبکه همبستگی کارگری در سندنج

۲۰ شهریور ۸۸

یافته، متحد و شورایی علیه سرمایه اعمال نمی کند، آنگاه تشدید استثمار کارگر توسط سرمایه نیز با هیچ مرز و مانع و سدی مواجه نمی شود، وضعی که وخیم ترین شکل آن در جهنم سرمایه داری ایران حکمفرماست. برای لحظه ای به شرایط کار و سطح دستمزد کارگران در « شرکت تولیدی اراطب سندنج » نگاه کنید. این کارگران در مرگبارترین شرایط کاری هر روز ۱۲ ساعت تمام کار می کنند، به بدترین و وخیم ترین شکل استثمار می شوند، به صورت هولناکی فرسوده و مستهلک می گردند. ۴۰ کارگر در چنین شرایطی و با چنین روزانه کار در دو شیفت ۱۲ ساعته جان می کنند و سال ها است که این کار را می کنند. دستمزد کارگران پس از همه این سال ها و در قبال روزانه کار ۱۲ ساعته در چنین جهنم وحشتناکی فقط ۱۰۰ هزار تومان در ماه است. همین شرکت با کار شبانه روزی همین ۴۰ کارگر که ۱۴ نفر آن ها

پاسخ این سؤال مشخص است: این مرز را کارگران و مبارزه آن ها تعیین می کنند. تا جایی که به سرمایه داران و طبقه سرمایه دار و دولت این طبقه مربوط است، نه! هیچ مرزی برای استثمار نیست. مرز استثمار کارگر جایی است که او و جنبش طبقاتی او سنگر می گیرد، می توفد، مقاومت می کند، دست به حمله می زند، علیه سرمایه به پیش می تازد، راه تشدید استثمار را سد می کند، قدرت خود را بر سر سرمایه می کوبد و مطالبات معیشتی و رفاهی و حقوق اجتماعی و مدنی و آزادی های سیاسی خود را بر او تحمیل می کند. مرز استثمار در این مصاف در دل کارزار طبقاتی میان توده های کارگر و نظام سرمایه داری تعیین می شود. وقتی که کارگر قادر به اعمال قدرت نیست، وقتی که او قدرت خود را متحد نکرده است، وقتی قدرت طبقه اش را سازمان نداده است، وقتی این قدرت را به صورت سازمان

از سیات کمیته باهنگی برای ایجاد تشکل کارگری بازید کنید

WWW.HAMAAHANGI.COM

منشور مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران

هجوم نظام سرمایه داری به سطح معیشت کارگران روز به روز ابعاد وسیع تری می یابد و کارگران بیش از پیش به اعماق مرگ و نیستی رانده می شوند. در یک سوی جامعه، انباشت عظیم ثروت را می بینیم و، در سوی دیگر، شاهد گسترش فقر و فلاکت و بی حقوقی در مقیاسی بی سابقه هستیم. شکاف طبقاتی اکنون به چنان ورطه هولناک و مرگباری تبدیل شده که برای کارگران راهی جز جنگ مرگ و زندگی با سرمایه داری باقی نمانده است. این جنگ را خود سرمایه داری بر کارگران تحمیل کرده است و خودکرده را تدبیر نیست. روزی نیست که شاهد چندین تجمع و تحصن و اعتصاب و راه پیمایی کارگری علیه نظام سرمایه داری نباشیم. بستن جاده ها و قطع شریان های حمل و نقل سرمایه اکنون می رود که به یک سنت مبارزه طبقه کارگر ایران علیه سرمایه تبدیل شود.

با این همه و به رغم آن که کارگران در همه جا مطالبات یکسانی را مطرح می کنند، مبارزات آنان هنوز به زیر یک پرچم سراسری واحد گرد نیامده است. و یکی از علت های عدم شکل گیری قدرت متشکل و سراسری طبقه کارگر و بدین سان به نتیجه نرسیدن این همه مبارزه کارگری را در همین جا باید جست. پیداست که اگر مبارزه کارگران برای مطالبات پراکنده و محلی به مبارزه برای مطالبات طبقاتی سراسری و واحد ارتقا نیابد کارگران به رغم تمام جان فشانی ها و فداکاری های خود راه به جایی نخواهند برد. گام اول برای عقب نشاندن هجوم بی امان سرمایه به سطح معیشت کارگران برافراشتن یک پرچم با منشور سراسری واحد حاوی مطالبات پایه ای طبقه کارگر است. پایه ای بودن مطالبات کارگران در این منشور به دو معناست: نخست به معنای سطح پایین و نازل مطالبات کارگران ایران نسبت به حقوق متعارف کارگران در بخشی از جهان و دوم به معنای مطالبات عمومی کل کارگران ایران که ارتقای مبارزات پراکنده کنونی شان به سطح مبارزه ای سراسری در وسیع ترین شکل آن- که خود شرط لازم مقاومت در مقابل هجوم سرمایه در شرایط کنونی است- درگرو تبدیل آن ها به پرچم واحد و سراسری طبقه کارگر است.

اما مهم تر از این ها توضیح این نکته است که کارگران مطالبات خود را از چه زاویه ای مطرح می کنند. نفس طرح مطالبه کارگران از سرمایه داران و دولت آن ها به معنای آن است که سرمایه داران حاصل کار و تولید کارگران است. مطالبه کارگران از سرمایه داران از بابت هیچ چیز نیست مگر از بابت کاراضافی ای که برای سرمایه داران انجام داده اند اما در ازای آن هیچ چیز نگرفته اند. بنابراین، کارگران با طرح مطالبات خود در واقع به سرمایه داران و دولت آن ها می گویند که آنان باید این مطالبات را از محل همین کار پرداخت نشده برآورده کنند. بدین سان، کارگران در همان مبارزه خودانگیخته خویش نظم سرمایه را به چالش می کشند و باید بکشند. کارگر در لحظه لحظه زندگی خود به گونه های مختلف این مضمون ضدسرمایه داری را بیان می کند که چرا باید من کار کنم اما یکی دیگر بخورد؟ چرا باید تمام ثروت جامعه را من تولید کنم اما خودم از آن کاملاً بی بهره باشم؟ این همان رویکرد و زاویه ای است که ما به مثابه بخش کوچکی از طبقه کارگر منشور حاضر را بر مبنای آن تدوین کرده ایم.

مطالبات پایه ای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی عبارتند از:

- ۱- حداقل دستمزد ماهانه کارگران باید براساس ثروتی که آنان برای جامعه تولید کرده اند («تولید ناخالص داخلی») و اختصاص سهم هرچه بیشتری از این ثروت به ارتقای سطح زندگی و رفاه کارگران تعیین شود.
- ۲- تمام افراد زیر ۱۸ سال باید از محل ثروتی که کارگران برای جامعه تولید کرده اند حقوق ثابت ماهانه دریافت کنند.
- ۳- کارخانگی باید از میان برود، اما تا آن زمان باید به زنان خانه دار دستمزدی معادل دستمزد کارگران شاغل تعلق گیرد.
- ۴- تمام افراد جامعه باید از تأمین اجتماعی شامل حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی و بیمه بیکاری برخوردار باشند.
- ۵- تمام بیکاران آماده کار باید مشمول بیمه بیکاری باشند. بیمه بیکاری نباید از حداقل دستمزد کارگران شاغل کمتر باشد.
- ۶- هر نوع قرارداد استخدام موقت باید ملغی شود.
- ۷- حقوق تمام شاغلان، بیکاران، زنان خانه دار و افراد زیر ۱۸ سال باید حداقل تا بیست و پنجم هر ماه پرداخت شود.
- ۸- شاغلان در تمام مراکز کار و تولید در تمام شیفت های کاری باید از غذا و سرویس ایاب و ذهاب رایگان برخوردار باشند.
- ۹- مسکن مناسب با تمام امکانات رفاهی و ارتباطی و وسائل خانگی حق مسلم هر شهروندی است. تحقق این امر درگرو آن است که:
 - از ساختمان های تحت مالکیت دولت که اینک در اختیار نهادهای دولتی قرار دارند برای تأمین مسکن شهروندان استفاده شود.
 - دولت هر سال درصد معینی از بودجه را به احداث واحدهای مسکونی جدید برای شهروندان اختصاص دهد.
- ۱۰- بهداشت و دارو و درمان انواع بیماری ها باید رایگان باشد.
- ۱۱- آموزش و پرورش در تمام سطوح باید رایگان شود.
- ۱۲- حمل و نقل عموم مردم در سراسر جامعه باید رایگان شود.
- ۱۳- تمام مردم باید از مهد کودک رایگان استفاده کنند.
- ۱۴- همه سالمندان و معلولان باید به صورت رایگان تحت مراقبت قرار گیرند.
- ۱۵- کار کودکان و جوانان زیر ۱۸ سال باید به طور کامل ملغی شود.
- ۱۶- هرگونه تبعیض جنسی در مورد زنان باید از میان برود. برای تحقق این خواست باید:
 - زنان در تمام قوانین از جمله قانون کار، قوانین مربوط به ازدواج و قوانین کیفری با مردان حقوق برابر داشته باشند.
 - هر نوع دخالت دولت در تعیین نوع زندگی، روابط زن و مرد یا دختر و پسر و پوشاک زنان ممنوع شود.
 - ازدواج با جدایی همسران از یکدیگر با توافق آزادانه و حق برابری کامل میان آنان صورت گیرد.
 - هرگونه ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی ممنوع شود.
- با ایجاد فرصت های شغلی برای زنان و امکاناتی رایگان چون شیرخوارگاه، مهدکودک، سالن غذاخوری و رخت شوی خانه به صورت گسترده و فراگیر در محل های کار و سکونت زمینه اجتماعی شدن کارخانگی فراهم شود.

۱۷- تمام افراد جامعه باید بدون هیچ قید و شرطی از آزادی های سیاسی از قبیل آزادی عقیده و بیان، آزادی نشریات و مطبوعات، آزادی اعتصاب، آزادی تجمع و تحصن و راه پیمایی و تظاهرات برخوردار باشند.

۱۸- ایجاد هرگونه تشکل از جمله تشکل ضدسرمایه داری و سراسری طبقه کارگر باید آزاد باشد.

کارگران علیه سرمایه متشکل شویم !

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اول ماه مه سال ۱۳۸۸

خبرنامه کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری را به

دست کارگران برسانید.

سایت کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل
کارگری به طور روزمره به روز شده و
اخبار جدید کارگری در آن منتشر
می‌گردد.

آدرس سایت را به اطلاع همه برسانید:

WWW.HAMAAHANGI.COM

برای تماس با ما نامه الکترونیکی
خود را به آدرس زیر بفرستید:

khbitkzs@gmail.com

برای اشتراک این خبرنامه به سایت کمیته مراجعه کرده و آدرس
الکترونیکی خود را در قسمت "خبرنامه سایت" وارد کنید. در
صورتی که مایل به ادامه اشتراک نیستید، می‌توانید در همین
قسمت خواهان حذف نام خود از فهرست مشترکین شوید.